

روزنامه‌های شوروی از اهمیت تصمیم انجمن مسکو بحث کرده و از ایجاد جبهه دوم سخن می‌رانند

هشتر وجهه دوم؟

مسکو. روزنامه‌های اروپا می‌نویسند: سخنان دولتهای اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا در خصوص امری که باید در یک نشست در فرانک و ایچانک یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، شواهد قابل ملاحظه است. و مذاکره اتحاد جماهیر شوروی و انگلیس و آمریکا نتایج این مذاکرات را با خبر می‌دهد و شش نامی بود که برای تشکیل یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، پیشنهاد کرده است. این نامها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان. این نامها در یک نشست در فرانک و ایچانک یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، پیشنهاد کرده است. این نامها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان.

پس آهنگان جبهه دوم انگلیس متفق شوروی ما عزم داریم که این یسکار را تا اضمحلال فاشیسم

ادامه دهیم «چریل»

مسکو - خبرگزاری انگلیس: خبر می‌دهد نخستین شماره روزنامه بومبومورس (بریتانسی سوویرنیک) یعنی (انگلیس متفق شوروی) بر آن روسی که از طرف وزارت اطلاعات انگلیس چاپ شده انتشار یافت و در آن بیان سخنان صحیح روزنامه‌های وزارت آرمین روسیه و ملت‌های متحد آلمان، مردان آزادی و ملت‌های آزاد در تمام نقاط دنیا است که همه چریل است. گذشته شده و در متن آن نیز پیام این وزیر امور خارجه و «بریتانسی» وزیر اطلاعات خواننده‌گان داده شده است.

سپاسگزاری

از دوستان گرامی و هم میهنان محترمی که در این روز آتش‌خیز با کتیا یا وسیله تفکرات نسبت به این جانب اظهار لطف و حسن ظن فرموده اند سپاس بی‌شمار و چنانچه در عرض تشکر جداگانه نامی با علت شود مدونت می‌نویسم و شما را بخاطر حسن نیت می‌بسم که در این موقع مشکل‌ها ما را در نعمت جامعه و کشور موفق بدارد.

دکتر علی اکبر سیاسی

با بگلستان نیرو میرسد و از انگلستان نیز

باروایاب فرو میرود - اوقات در پالی معور

لندن - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد بطوریکه خبر رسیده است قطار کشتی حامل سربازان کانادایی از کانادا سوی انگلستان حرکت کرده است. تفکر اینکه از آنجا خارج شده حاکی است که این قطار حامل کپورار سرباز می‌باشد. این قطار سراسر اقیانوس اطلس را بخون وقوع هیچ پیش آمد ناگوار می‌کشد.

لندن - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد که قطار کشتی حامل سربازان کانادایی از کانادا سوی انگلستان حرکت کرده است. تفکر اینکه از آنجا خارج شده حاکی است که این قطار حامل کپورار سرباز می‌باشد. این قطار سراسر اقیانوس اطلس را بخون وقوع هیچ پیش آمد ناگوار می‌کشد.

لندن - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد که قطار کشتی حامل سربازان کانادایی از کانادا سوی انگلستان حرکت کرده است. تفکر اینکه از آنجا خارج شده حاکی است که این قطار حامل کپورار سرباز می‌باشد. این قطار سراسر اقیانوس اطلس را بخون وقوع هیچ پیش آمد ناگوار می‌کشد.

لندن - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد که قطار کشتی حامل سربازان کانادایی از کانادا سوی انگلستان حرکت کرده است. تفکر اینکه از آنجا خارج شده حاکی است که این قطار حامل کپورار سرباز می‌باشد. این قطار سراسر اقیانوس اطلس را بخون وقوع هیچ پیش آمد ناگوار می‌کشد.

توده‌های دنیا بر علیه فاشیسم متحد میشوند؟

لندن - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد که توده‌های دنیا بر علیه فاشیسم متحد میشوند. این توده‌ها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان. این توده‌ها در یک نشست در فرانک و ایچانک یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، پیشنهاد کرده است. این توده‌ها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان.

مسکو - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد که توده‌های دنیا بر علیه فاشیسم متحد میشوند. این توده‌ها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان. این توده‌ها در یک نشست در فرانک و ایچانک یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، پیشنهاد کرده است. این توده‌ها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان.

مسکو - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد که توده‌های دنیا بر علیه فاشیسم متحد میشوند. این توده‌ها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان. این توده‌ها در یک نشست در فرانک و ایچانک یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، پیشنهاد کرده است. این توده‌ها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان.

مسکو - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد که توده‌های دنیا بر علیه فاشیسم متحد میشوند. این توده‌ها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان. این توده‌ها در یک نشست در فرانک و ایچانک یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، پیشنهاد کرده است. این توده‌ها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان.

مسکو - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد که توده‌های دنیا بر علیه فاشیسم متحد میشوند. این توده‌ها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان. این توده‌ها در یک نشست در فرانک و ایچانک یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، پیشنهاد کرده است. این توده‌ها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان.

روابط لندن - بمبئی - واشنگتن نظریه مسلمان

واشنگتن - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد که روابط لندن - بمبئی - واشنگتن نظریه مسلمان است. این نظریه عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان. این نظریه در یک نشست در فرانک و ایچانک یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، پیشنهاد کرده است. این نظریه عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان.

واشنگتن - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد که روابط لندن - بمبئی - واشنگتن نظریه مسلمان است. این نظریه عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان. این نظریه در یک نشست در فرانک و ایچانک یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، پیشنهاد کرده است. این نظریه عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان.

واشنگتن - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد که روابط لندن - بمبئی - واشنگتن نظریه مسلمان است. این نظریه عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان. این نظریه در یک نشست در فرانک و ایچانک یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، پیشنهاد کرده است. این نظریه عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان.

واشنگتن - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد که روابط لندن - بمبئی - واشنگتن نظریه مسلمان است. این نظریه عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان. این نظریه در یک نشست در فرانک و ایچانک یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، پیشنهاد کرده است. این نظریه عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان.

واشنگتن - خبرگزاری انگلیس: اعلام می‌دهد که روابط لندن - بمبئی - واشنگتن نظریه مسلمان است. این نظریه عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان. این نظریه در یک نشست در فرانک و ایچانک یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، پیشنهاد کرده است. این نظریه عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان.

توده‌های دنیا بر علیه فاشیسم متحد میشوند؟

توده‌های دنیا بر علیه فاشیسم متحد میشوند. این توده‌ها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان. این توده‌ها در یک نشست در فرانک و ایچانک یک جبهه دوم در سال ۱۹۴۲ در اروپا تشکیل شود، پیشنهاد کرده است. این توده‌ها عبارتند از: آمریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه، چین، بریتانیا، هند و پاکستان.

فرانکلین روزولت

فرانکلین روزولت رئیس جمهور کنور های متحد آمریکا مردی است که ۱۳۰ میلیون جیبت آزاده او را این مستعربانه که روزولت را در این مردی در تلوخ کشور های شته آمریکا است که از طرف ملت و یکباره دوبار بلکه سه بار انتخاب شد و زمام کشور دست او سپرده شد است.

روستاییان و کارگران استادن کبه و صاحبان صنایع بلشکان و دیگران سنجید و ملوانان همسین ملوانی که در منزل کار می کرد زمانی که با هزاران متوکل کار مشته همه آنها همال است که این مرد را می شناسد. الاخره در عرض ده سال مرد پهلوان شد چنین مردی را خوب شناسند وی در قسمت اول پیش در روز بی ام زانو به دنیا آمده است. در هرون او و پدر در مرون هم میبمان او خوب بازی در ملت ها جاری است. خود شتهوی موسیقی و آلبانی و انگلیسی و فرانسوی و ایتالیایی. روزولت در کشور ها بکه از آنها است و با آمریکا آمده اند و یکی کرده و با زمین آنها و با مردم آنها لقب مردی که با آنها خوشنویسی دارد روزولت در یک خانه روستایی در پالت بیورک دنیا آمده و ۱۵ سال تمام پیش پدر و مادرش دروس خوانده است. زبان انگلیسی و فرانسوی و ایتالیایی را آموخته است و اسب سواری و دریا سواری را بلد گرفته اما پیش از هر چه بل داشت که ملوان شود و در آمریکا بدید.

ترپنی که از آن بهره ورده بود به یزد بود چنانکه هارون یکی از بزرگان بلشکانهای آمریکا نام داشت در همین دانشگاه روزی اظهار داشت که بزرگان مردمی همان که برای این جله میگردند. در آن زمان ۱۵ ساله بود و از آن بود و از دستگیری برنی داشت.

در جوانی با خود روزولت یکی از مشغولان بود خود همروسی کرد. این روزی نیز در جنگی خوش داشت و نیز در میل داشت که دیگران نیز از خوشی و غمی بهره ورده بود و در پاریس که در سال ۱۹۰۸ روزی از آن روز میبود و از آن روزها که بعد آمریکا مراسم جشن همروسی جا آورد.

فرانکلین روزولت دانشمند در اطراف خود بیعتالی میبید و وقتی که او را نمرود ناپیدگی مجلس قانون گزاران ایالت نیویورک کردند چن اظهار داشت: من قبول میکنم اما استقلال کامل من باید محفوظ بماند. من در مقابل هیچکس نمیروم و قبول نمیکنم هیچگونه منافع خصوصی نیتوانم مرا در تحت تاثیر خود آورد. و همبطور میبمانی خواهم ماند. اگر انتخابم تمام وقت خود را صرف خدمتگزاری مردم خواهم کرد.

او را انتخاب کردند و یک بار بلکه دو بار.

در سال ۱۹۱۳ و پس از رئیس جمهور آمریکا از او در خواست کرد که به واشنگتن برود و معاون وزیر درباری گردد. و هنگامیکه او از دو خواست کرد که به عنوان رئیس مسافری در برهان کند او آمی می گردی شد و خطرناک درونی شال و انتخاب کرد.

در سال ۱۹۱۶ در حال نوستی در کرانه شمال خوری دریا سواری میگردد. هم نظری است صنعت او در پیشانی بود. مکان کشتی را دست گرفت و چنین ساعت قبل از از کمان معاصر کوهستانی هلاکت کرد.

بالاخره خانه روستایی اش را بیکه کشتی را به آن کجا ایستاده و تمام مردم و زوجه افتاد و مردمش را در جزیره ای که در آن خانه داشت مرتب از خدمت شایسته را فرا گرفت بود. چون صنعت او توقف با چغنا و همسایه های خود در جزیره برخانه مرتب شرکت کرد تا آنکه خطر مرگش گردید آن شب خام بود. و صبح روز بعد متوجه بکنان نماند. و باقی پیش را نیتوانه بکنان نماند.

چهل سال ز عمر او میگذشت عمیقاً معلوم شد که خلق شده است. اما می خواست بگریه که بیست است. می خواست تسلیم شود تجربه همه خدمت و ساعت ساعت را در رفتن را آموخت و روزی با او بگفت که ۱۵ سال بداری و دوام افتاد داشت. اما بعد از سال تمام پیدا کرد. و بلشکان بگویند که این امر بگفته شد. اما بعد از سال بی از ایالات متحده حکومت ایالت نیویورک را به دست گرفت. دو سال جانور از او انتخاب کردند.

از کتاب است هاری

نوزیم در مقابل سوسیالیسم

۱۵-

این وضعیت آخرین شانس مومقبت قشته علیات آلمان را از این خواهد برداشت شوروی سوسیالیست که تلاش و بخش منقسم السالحه و مستتر و کبهارت او استقامت و تانکو هوایی و پیوسته برداری است پاسخ خواهد داد. او اتریش سرخ معاصر با جهان عقب و از خارج درونی و بهترین پشت کار نظام استعاضی بشر با جهان نغمی پاسخ خواهد داد که زانه شته آن اتریش خود مایم را بتل خاکستری تبدیل خواهد نمود.

تمام آنها در مملکت بصورت مراصله اول که در مملکت بود که خواهد شد. مملکت اول. مملکت باقیه قوای ذخیره ابرشته و آماده خواهد بود. برای جنگی و ارتش مقدمه و قوای دریایی بلیت و زره دریایی هوایی گوردینکو دیگر مامه امده اند و فاشیت و غیره حمله خواهد پیروداد و در حالی که همه از روی دایره خواهد رفت با همبیر فولادین خود ملت را تا آخرین حد امکان خواهد نازاند. در مرحله دوم ارتش فاشیت با نیروی مقدمه شوروی برخورد خواهد کرد و ارتش فاشیت عقب و رانده خواهد شد.

قوای غلبه. ماقدمه ای. نیروی زمینی و هوایی تو کبه منظوم و به از دوی بلیت تا دوی سیه جدا جنب و جوش آورده مملکت را متوقف خواهد کرد.

در این سرپوش جنگ پیشا پیش نین شده است زیرا مملکت ها و حله اول صته متوقف شود جنگ را نخته است. نیروی عالی را که کرده آورده بود با خود خواهد شد. و نیروی مخالف انگلیز هدایت را دست خواهد گرفت.

که به همروسی که همه مردم جوان چه ملت های کوچک و چه ملت های بزرگ در تمام و آمیخته سر بر نه مردم آمریکا میباشند که رئیس جمهورشان از آن خواهد شد. ششاد آنکه دشمن مشترک تمام ملت های جهان بود و دشمن ناآگاه در جنگ بیرونی خود. ملت آمریکا و ملت های متفق خود و صاحب و ارتش برقرار شود.

اروپا در پنجم

فصل سیزدهم اثر هیتر در بدایت صلح شود

صرف نظر از همه دلایل فوق آنچه که بیشتر هیتر را وادار بادام جهانگشایی خواهد کرد. در اقتصاد اروپا است. هر کون ثروت را وادار بادام غارت کرده غرض آنکه اروپا با استفاده از اشتداد خوش بودا و اروپا با چنین برار کند بلا کم حاکم نسبی نتواند چنانست که شاید و باید که در نظر است شود و برای انجمن مال فراوان و تهیه آسایش بیشتر شوکت کبریا در حساب کشورهای دیگر از اولاد پشدار میروند.

کنشی صورت پذیرد آن سوی اقیانوس تصور میکنم که تا این مدهدات ملی شود چنین سال طول خواهد کشید و اتفاقاً این استدلال نظر خیلی مایل به برمی آید. خیلی با تصور میگردند که در عرض و پس از آن چن استوا کی برای مشغول کردن آلمان تا چند سال کافی است اما حالا این عهد میبندند که دنیا به سر است - نوسه - ست و تسلط برای اراضی جدید آلمان را در اجرای قشتهای خود تقویت میکند.

شاید کمی صومله خرج بقعه والی این صومله و سر برای پاشن فرصت مقفی است کثرت ثروت موس صف قوای نظامی مردم آلمان خواهد بود زیرا در زمان هیتر بلیت استاد امتین از تاثیرات آشوت ثروت از بالا رفتن سطح عیش و ششرت و همبجنت آسایش و خوشی جلوگیری خواهد شد.

فادشجوی تا در خدان معینه که ثروت در غناه ملت حاکم را بستنی و تنبلی گشاده است و موس اقتراض شده است ولی این سخت زمام مقف خواهد شد که فرها از مستکاری هتیل گشته است و زبانه برنی ملته باف از اینکه روزی ملت های ما را از اقترا آلمان از چنکه مستکاران خواهد شد مانند ما را تصور از اثرات شوروی که آن عهد که از بارزادگی خود که اجبارا بوج فلانی برگردن خواهند داشت هم اکنون مشر و فکین میبوی و پس اگر کسی باشد که تصور کند که زمان نزول روحیه آسایشا پیش از دست نجات جهانی شروع خواهد شد در خوشی بی افران کرده و حنا راه خطرا بسوده است - در صورتیکه قدرت بزرگی برای مقابله با آنها در صحت جنگ پیدار نشود احام قشدهای جهانگشایی طولی خواهد کشید و در دست ترین ممالک پس از مدت کوتاهی مورد هجوم قرار خواهد گرفت.

در داخل ممالک فاشیست می توانی از ش های منجمی احاد خواهد شد که برادر وار دست بابت داده قاره اروپا را در دست فاشیست بک و هر یک از آن ملل را در کشور خود اوطن آزاده ای که آن ملت واداست آزاد خواهد کرد.

ضرمت اصلی این حمله متفالمه است. این است که در داخل آلمان صورت خواهد گرفت و این خود مرطه چلوم خواهد بود. ملت پیروزه ای که هیتر بسیار اسکند خواهد کشید. ملتی که حیات سیاسی و اقتصادی وضع حسنی او در دست پد خواهد بود و معاطور که در سال ۱۹۱۸ قیام کرد باز هم مدافع خواهد بود پس از آن مرحله پنجمین مر از و قنای هیتر دست ششامده اوست شروع خواهد کرد. ارتش عظیم فاشیست طوور ساده

تختابو نصر

سوی جام شراب لغووانی را که از دستم شوریده گرفته بود تا که سر کشید. و در او را نگاهتند لبهای خود را برافشیدم. به نظر خود میبرد. ولی خود میسر را برادر کردید و لبهایش روی گردانیدید. تا که از شراب لوقه خوردن زادم رنگ روی سپیدم و رفته فواید و از دل رفت لبهایش از روی ونگ مرانه از برای از برای و پادشاهین قلبهای خود کرد و مددی غریبه پذیرفته است. حالا بنظر سیبویه میماند که از خواب منی خود بیدار شده ولی هنوز مغز او خلط خاطر و فکر او را برده تاریکی گرفته بود. افکارش هم در خاز مغز او شراب موج میزد و می شورید و در تمام حسنی خودش خلس سوزانده بود و برای برای شوریده حس میکرد. شته شوریده بود. او اخبار این دشمنهای نادان را ندانم شوریده داشت. اینجا به روشنی و هوای آزاد از دستم از یکا منی او هنوز از سرش در رفته بود. صدای دور و صدای کفنی شوروی او میواند آمدنم که گوش ز دستم زد. میان از دهام و جدال صورتها. هرگز نشد از زبان و لب من آتش شته همه مطور منم و یک شته که بود در پیش می رسیدم و همه صوفیه به نظر دیگر جلوه کرد شته شوریده را چشم میبرد. جلو او صورت شوریده بود. این همه از کاهها از همه بواقون و زده بود - او اخبار زبانی شوریده داشت. شرح برای احسانان دشمنی سیبویه کشف می شد و در حالت شنگه این شرح و سرگشت از آب پیوستی دست گرفته شته بود درک در رهبران و سایه دواز او دبایش بر زمین کشیده میشد.

سه خاسی که برای خاطر گورست و همکارش بزم دلت آمده بودند در پیشانی گستر آب ترش امضاخت. مزه و مشروبی که فاسد برای آنها بود خوردند و درون و کلهشان گرم شده بود. شوریده روی کرده و دستش را بر سرش زد. یکی از دواز کشیده شته ای ناموش از سر میگردید و دیگری را با سوزانها گرم حسنت بود از روی دلواپسی میزدی ساعت منی خودش میگردید. بالاخره بر گشت و شوریده گشت.

۱- ابا سیبویه، شامسون خوریم باا.

۲- شوریده، هر روز در نشه.

۳- از سر بر کشیدم، میبک خوشنوی روی باید از فرنگی با گورمت ا.

۴- گورس شامیله، خیلی ترس نوا.

۱- این فرنگی گشاده که ناله میبکن داخل آدم حساب اندیشها خورید. ۲- پس اینها همه پیش از امروز مطور سر راه پادشاه شوریده اندازی نیتن این سرچول غناور دشمنان کار میگردند. ۳- گورس مختلط در وقت فرنگی با نو های گلانویش زیر آفتاب وایسته بود. من میگرم که این صلا مندی منی که من در نوع نسیم ملوک که بند بر گشتند جوانان شته. منی من توسط قاسم بر کارون بران بیوم فرستادم. حالا بیوم خراس که همه میگرم میبوم بدنه و غده خلای میگرد.

۴- خوب، خوب، ما اینجا بودیم خوشگانه بصری میگردیم. میخواستیم چون پول نداشتن هم با ۵- مگه بخت نماند، شته و غلا و جواهر پیدا کردیم که بگو. به اولیو تو صدیون یکی گذشتند که در غیر الاش شمشکته بود. به غیر شکان که نوش بر از آلسی و جواهر بود. ما هفتا خوش خوروی که روش از ما میواند بود. حیاقت من در نوع میبکم ۶- میبکی که از قاسم برین من به گردن بند مرواروی ارتش خواندم.

۷- تو به خود کردی و گندم بود که کسان من به هر قول داده بودم. ۸- گن دو میخواستی باری اجواد آغا تو انگشت کوچیکه گورس حساب نیتن ۹- در هم رو با جلوس خودت کشی. اون دو نالی دیگه چطور من ۱۰- تو با من من من قفا یکی از اولیو دیم.

۱۱- ذی که دوری زمین دواز کشیده بود و با خودش زمره میگرد گمت ۱۲- شتا چندم درین ایام جوانان، میخواستیم هر که سیه بانی ۱۳- چرا پیش پیش ترا گرفتند (رویش را به ما زها کرد) و چشم من شتا به دستک ما حساب نیتن ۱۴- در حین حال قانون دان با صورت بزم و معبیه او را روی سالی خود خم شد و به آهک مخصوص شروع خواش کرد. مرد گوته آینه روی سته پولیش شته بود دیک را برداشت. همان آینه یک شتر جو بری را میخواست: ۱۵- شتی سل عالم میکنم من، پل جوئی ۱۶- نظر بر تو سو دشمن میکنم من، پل جوئی ۱۷- فریبک بد دیگر ما و تو دشمن میکنم من، پل جوئی ۱۸- که فردا در سر من میکنم من، پل جوئی ۱۹- مهربانی ۲۰- در تو مرم خوبه شوی، پل جوئی ۲۱- صدای بی سیه، دایه جوری، پل جوئی ۲۲- عزیزان دایر من

۱- در این گوشه لایق من منزل من ... ۲- او با حق عیندیده که گلهای شربت و سلامتی یکدیگر بهم میزدند. اما عورتش گیلاس بود و را ننه کرده و سلامتی (گورس) سر کشید. ۳- ناگهان از پیش درختها، هیکل بلند و تاریکی که لایق زر دوری داشت پیداشد. مثل اینکه چراغ چشمش از آینه بود، پشت سایه درخت ایستاد و صورتش را پایش گرفت. اما گردیدند جواهرش جلو چراغ میبرغشید. حد با صدای نهایی گفت: «خورشید... خورشید...» ۴- صدای او غرق صدای گورست و داشت. خورشید گیلاس شراب را بر کرد. برداشت و ظرف صفا نمود. بحالت که گورست جیبش شوشی بود در خیمه قابله شد. او میبکد ملو میکان نزدیک رسید دید که بکته استخوانی شکفته شده گیلاس را از او گرفت و دست دیگری محکم دو کمرش پیچید. خورشید نشن و آنگر گشته او اعانت. اما میبکد هیکل ترسناک گیلاس را با حرکت حشکی سر کشید و صورت و حشمت مرده را دید چشمهایش راهم فشار داد و فریاد کشید و لب خود را چنان گریه که خون جلوی شد. ۵- با هر کشش و بر میفرستاده من سیبویه روی گوی خورشید سیبویه مثل اینکه میخواست خون گرم او را بنوشد. ناگهان در اثر شراب و فریاد خورشید، منی منی منی که تاکنون جلوس چشم سیبویه را گرفته بود از سرش برید. مثل اینکه میبکی از جلو چشمش افتاد. وضع و مومقبت خود خورشید آنگه شد. املا حالت صورت این زن او را بدیدار کرد. چون ملو میکان شهادت همان حالت بود که صورت خورشید در رنگی شاد داشت و آشکارا دید که این زن از او دور تر می و وحشت خود را تسلیم او کرده بود. در صورتی که چنگالش گره نندار قفل شده بود. مطور واضح دید که این زن برای خاطر او لکه برای پول خود را تسلیم کرده بود. همانطور که در زندگی سابق خورشید نسبت به ملو شت داده بود و تا حالا با یک امید بود. زنده بود و امیدمقن منی صفا ملو را در نظر او کشیده بود. اما خورشید را که سلب بکترت خورشید را ودا کرد و مثل اینکه قوای مجبور از او سلب شد، با ورن سکتیش روی زمین نشیند. خورشید مثل سکتی که از دست کاسوس هولناکی آزاد شده باشد. بولوله فریاد کشید و از خوش رفت. ۶- در همین وقت که زار و زور گورست و فرین با اینکا وارد شدند. هسنگه خواسته سیبویه را از زمین بردارند. دیدند نام تش تحریر و تبدیل بکشدند. خاکستر و اشک گورس را با شته بود. سواران و لباس و قداری او را برداشت مرامت کردند و سر او را بر نشانه پهن روی آسپاره گذاشته و ضبط کرد (بابی)

